یادداشت

معصومه فاطمی/ پژوهشگر مطالعات اسلامی زنان

از لاک سیاه تا هیئت رنگین کمانی!

چند روزی است جمله «مرا به لاک سیاه زنی که پشت دسته‌های عزای تو می‌رود ببخش» مورد بررسی و نظر منتقدان و موافقان قرار گرفته‌است.

و این سؤال مطرح شده‌است که آیا هیئت محل حضور افراد کم حجاب نیست؟ آیا در گذشته لوتی‌ها و گناهکاران متجاهر در هیئت‌ها شرکت نمی‌کردند؟

بدیهی است حضور هر گناهکاری در هیئت عزا مشکلی ندارد و اتفاقاً همیشه گناهکاران در هیئت‌ها شرکت می‌کردند و هیچ‌گاه حضور کم‌حجابان مسئله هیئت عزاداری نبوده‌است، اما آیا در مجلس هم گناه را ترویج می‌دادند؟ یا به اباحه‌گری در ترویج بدحجابی تصریح می‌کردند؟

آنچه اینجا محل نزاع است، اصرار به گناهی است که دشمن هم امسال به دنبال سازماندهی آن در مجالس عزاداری است. آیا فراهم کردن زمینه برای ترویج گناه مشکلی ندارد؟ آیا بازی در زمین دشمن محسوب نمی‌شود؟

وقتی با سرگذشت افرادی که در گذشته اهل گناه‌های آشکار مثل مشروب‌خواری بودند، مواجه می‌شویم می‌بینیم حاضر بودند دو ماه محرم و صفر یا مدتی از محرم را از گناه آشکار خود بگذرند و با خضوع در مراسم حسینی شرکت کنند و همین حیا در مقابل امام حسین موجب رستگاری آنها می‌شد.

اما اینکه بگوییم لاک سیاه زن، ارزشمند است و به این لاک قسم بخوریم تا امام‌حسین به ما توجه کند و شفاعت کند، نوعی تأیید و ترویج گناه است و از گناه قبح‌زدایی می‌کند. باید بین حضور گناه و حضور گناهکار در هیئت تفکیک کنیم که اگر این تفکیک را قائل نشویم و برای هیئت چارچوبی نداشته‌باشیم در آینده به خوردن مشروب در پشت دسته عزا هم افتخار می‌کنیم و می‌گوییم هر گناهی را می‌توانید در دسته عزا نمایش دهید!

استحاله هدف قیام امام حسین مسئله اصلی این جملات است. امر به معروف اصلی‌ترین هدف قیام امام حسین است، اما این جملات زمینه‌ساز سیاست درهای باز برای مواجهه با هر گناهی در هیئت است، به گونه‌ای که نباید اندک مواجهه‌ای با افراد بدحجاب یا سایر مسائل داشته‌باشیم. گوینده این جمله در ادامه می‌گوید «اگر امام‌حسین مخالف باشد، خودش پای فرد را قلم می‌کند، اگر ائمه قرار بود چنین مداخلاتی را صورت بدهند، حتماً هیچ گناهی در جامعه اسلامی صورت نمی‌گرفت.» ولی رویه عالم، جبر نیست، چراکه اگر امام‌حسین می‌خواست با جبر در امور جامعه مداخله کند، هیچ‌گاه نیاز به قیام در مقابل یزید نبود و اگر قیام صورت می‌گرفت، ابتدا باید پای قاتلان خودش را قلم می‌کرد تا دست به خشونت و قتل عظیم در روز عاشورا نزنند.

امام‌حسین، طبیبی است که چنین افرادی را به مجالس خود دعوت می‌کند تا این مجالس دوای درد این افراد باشد و ما لازم است به مداوای درد کمک کنیم و مانع گریز این افراد از هیئت شویم، اقامه امر به معروف با مناسب‌ترین و جذاب‌ترین شیوه در هیئات عزا، روشی برای پایداری کیفیت هیئات و هم جذب این افراد است.

سال گذشته بود که در هیئتی شرکت کردم و سخنران در رابطه با مشروب خوردن یزید صحبت کرد، بعد از هیئت فردی اعتراض کرد که چرا مشروب را به یزید نسبت می‌دهید! فرد معترض قائل بود با این نسبت، افراد مشروب‌خواری مثل خودش به شرکت در جلسات امام‌حسین رغبت نخواهند داشت. در واقع مطالبه او این بود که هیئت نباید از گناهی که بین برخی وجود دارد سخن بگوید.

استحاله هیئت‌ها از اهداف قیام امام‌حسین و نپرداختن به فرهنگ عفاف و حجاب زنان کربلا، باعث ارتقای جامعه در دینداری نمی‌شود. طبق نقل تاریخ زنان در کربلا و در دوره اسارت مکرر تلاش کردند حجاب را حفظ کنند. سید بن طاووس و جمعی دیگر از بزرگان نوشته‌اند: «آن مردم تبهکار برای نابودی خیمه‌های حرم و غارت آن مسابقه گذاردند، چادر از سر زن‌ها می‌کشیدند. گاه زنی مشاهده می‌شد که با تمام نیرو و تا سر حد جان برای نگهداری پیراهن و حجاب خود مقاومت می‌کرد، به گونه‌ای که در اثر کشاکش جامه بر زمین می‌افتاد. دختران رسول خدا و اهل حرم با گریه یکدیگر را مساعدت می‌کردند و بر فراق یاوران و دوستان ندبه می‌کردند.» از این دست روایت‌های تاریخی از حجاب و عفاف زنان در کربلا کم‌نیست. مناسب است مداحان و سخنوران به چادر سیاه این زنان و محبت قلبی زنان کم‌حجاب و باحجاب به امام‌حسین اهمیت بدهند و برای ترویج فرهنگ بکوشند و سعی نکنند موضوعی را که در حد مسئله اجتماعی نیست، به انحراف و مسئله فکری اجتماعی تبدیل کنند.

خبرکوتاه

- رئیس مرکز پزشکی حج و زیارت جمعیت هلال احمر ضمن اعلام اعزام تیم پزشکی ایران به عراق جهت پوشش بهداشتی و درمانی تاسوعا و عاشورای حسینی، در عین حال از برنامه‌ریزی صورت گرفته برای حضور ۴هزار نیروی هلال احمر کشورمان در مراسم اربعین امسال و لحاظ اقداماتی ویژه جهت ارائه خدمات مناسب به زائران خبر داد.
- مرکز روابط عمومی و اطلاع‌رسانی وزارت بهداشت در اطلاعیه‌ای مبتنی بر نظر کمیته علمی کشوری کرونا از پایان شرایط اضطراری کرونا و استفاده همگانی از ماسک خبر داد.
- وزیر آموزش و پرورش گفت: با تنوع مدارس موافق نیستم مگر مدارسی که بر اساس پژوهش‌های علمی، لزوم وجود آنها اثبات شده‌باشد.
- دادگاه حقوقی شکایت خانواده شهدا و آسیب‌دیدگان کودتای نوژه از دولت امریکا که در جریان آن سه نفر به شهادت رسیدند و عده‌ای هم زخمی شدند، برگزار شد.
- دبیر کل شورای عالی آموزش و پرورش از تصویب شرط سنی ۲۲سال تمام برای معلم‌شدن و ورود به آموزش و پرورش از سال ۱۴۰۳ خبر داد.
- معاون فرهنگی و امور اجتماعی سازمان بهزیستی از راه‌اندازی سایت «صدای چندقلوها» خبر داد و گفت: در حال حاضر ۳۹ هزار و ۵۳۰ خانوار از حمایت‌های مستمر بهزیستی بهره‌مند می‌شوند.
- در حالی طرح «بیمه فراگیر خانواده ایرانی» در راستای گسترش پوشش بیمه‌ای زنان خانه‌دار، دختران، دانشجویان، خوداظهاری شغلی (صاحبان حرف و مشاغل آزاد) و همچنین بیمه اختیاری از سوی سازمان تأمین‌اجتماعی در حال اجراست که بیش از ۵ میلیون نفر از شاغلان کشور هنوز تحت پوشش بیمه‌های اجتماعی نیستند.
- رئیس انجمن علمی فیزیوتراپی ایران گفت: استفاده زیاد از وسایل رایانه‌ای مانند گوشی همراه و رایانه مشکلات عضلانی و اسکلتی را در کودکان و نوجوانان افزایش داده‌است؛ استفاده زیاد از این وسایل باعث فشار بیش از حد به ستون فقرات به‌ویژه در ناحیه گردن می‌شود.
- مدیر کل دفتر حفاظت و مدیریت حیات‌وحش گفت: گوزن زرد با توجه به وضعیت حفاظتی‌اش در لیست قرمز اتحادیه جهانی حفاظت، بسیار حائز اهمیت بوده و در اولویت برنامه‌های مدیریتی سازمان قرار دارد.
- وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی اعلام کرد: ۳۲ هزار و ۸۲۹ مورد عقرب‌زدگی در کشور ثبت‌شده که از این تعداد، ۱۵ مورد منجر به فوت شده‌است.

بررسی دلایل افت نمرات نهایی دوازدهمی‌ها در گفت‌وگوی «جوان» با کارشناسان آموزش

خودنمایی ضعف آموزش با نتایج امتحان نهایی!

فقط یک نفر از دانش‌آموزان توانسته در امتحانات نهایی امسال، معدل ۲۰ کسب کند؛ این خبری است که ابتدا در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد و معاون آموزش متوسطه آموزش و پرورش نیز آن را «تقریباً» تأیید کرده‌است

گزارش یک

مهسا گربندی

ایمان حامی خواه| مهر

آموزش در مدارس عمدتاً به صورت سطحی و باکیفیت پایین ارائه می‌شود و به دنبال آن دانش‌آموزان را درگیر حفظیات می‌کنند، اما در پایان سال تحصیلی از آنها امتحان مفهومی می‌گیرند! که در نتیجه آن، افت محسوس نمرات پایه دوازدهمی‌ها اتفاق افتاده‌است. آنطور که گفته شده، فقط یک نفر از دانش‌آموزان توانسته در امتحانات نهایی امسال، معدل ۲۰ کسب کند؛ هر چند این خبر در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده‌بود، اما محمد مهدی کاظمی، معاون وزیر آموزش و پرورش در واکنش به آن گفته‌است: «نتایج امتحانات «تقریباً» گواه همین امر است.» به این ترتیب، نتایج امتحانات نهایی امسال برای بار دیگر ضعف آموزش در مدارس را نمایان کرده‌است.

مسئولان آموزش و پرورش به طور مداوم اعلام می‌کردند که سؤالات امتحان نهایی خردادماه پایه دوازدهم در سطح کتب طراحی شده‌است، اما افت نمرات دانش‌آموزان پایه دوازدهمی، سختی سؤالات طرح‌شده را اثبات کرد. حتی برخی از دانش‌آموزانی که در مدارس خاص تهران درس می‌خواندند هم با افت نمره مواجه شدند. این در حالی است که محسن زارعی، رئیس مرکز ارزشیابی و تضمین کیفیت نظام آموزش و پرورش، موضوع سخت‌بودن سؤالات امتحانات نهایی را رد کرده و گفته‌بود: «مبنای طراحی سؤالات ما فقط کتاب درسی بوده‌است. هیچ سؤالی خارج کتاب طرح نشده‌است و این قاعده را رعایت کردیم. بخش محدودی از سؤالات سطوح بالای شناختی را مورد ارزیابی قرار می‌داد. نمره ۲۰ که دانش‌آموزان از دروس مختلف و در سطح توزیع کشوری کسب کرده‌اند، نشان می‌دهد سؤالات به گونه‌ای بوده‌است که دانش‌آموزان از عهده آن بر می‌آمدند. می‌گویند برخی سؤالات به گونه‌ای بود که حتی معلم از پاسخ به آن عاجز بود، اما اینگونه نیست.» این اظهارات در حالی مطرح‌شده که فقط یک نفر در امتحانات نهایی امسال در بین سه رشته ریاضی، تجربی و انسانی معدل ۲۰ کسب کرده‌است؛ موضوعی که محمد مهدی کاظمی، معاون آموزش متوسطه وزیر آموزش و پرورش آن را تأیید کرده و در واکنش به آن گفته‌است: «تقریباً همین است.» او در پاسخ به سؤالی مبنی بر اینکه گفته می‌شود سطح سؤالات امتحان به ویژه در دروس عمومی خیلی بالا و در حد کنکور بود، این را تأیید می‌کنید؟ به ایسنا توضیح داده‌است: «خیر، بحث کنکور نبود، بلکه سؤالات آزمون، مفهومی بود. با این حال در این خصوص اطلاع‌رسانی شده‌بود. شاید خیلی از بچه‌ها تمرکز در حوزه امتحان نهایی نداشتند و از طرفی شرایط کرونا و آموزش دو ساله مجازی هم بی‌تأثیر نبود که آزمون امسال کمی متفاوت‌تر برگزار شده‌بود. طبیعتاً در سال‌های اول پس از کرونا دانش‌آموزان به همان سبک و سیاق درس خواندند و مطالعه کردند و ممکن است این اتفاق بیفتد، بنابراین به نظر من بخشی از این امر طبیعی بوده‌است.»

کتب درسی و شیوه‌های آموزشی هیچ جذابیتی ندارند

برخی از دانش‌آموزان می‌گویند که آموزش‌هایی که به آنها داده شده از کیفیت خوبی برخوردار نبوده و آنها نتوانسته‌اند از عهده پاسخگویی به سؤالات برآیند. در این رابطه محمد داوری، کارشناس آموزش به «جوان» می‌گوید: «افت نمرات دانش‌آموزان در امتحانات نهایی نشان داد که کیفیت آموزشی در مدارس به شدت پایین است. دلایل پایین‌بودن کیفیت آموزش هم متعدد است که مهم‌ترین آن، پایین‌بودن انگیزه معلمان و مشکلات معیشتی آنهاست و بعد از آن هم نبود تجهیزات، امکانات و فضاهای آموزشی و مسئله محتوای کتاب درسی در افت کیفیت آموزشی اثرگذار است.»

او ادامه می‌دهد: «امتحانات نهایی یک ارزیابی دقیق است، اما این امتحان دقیق در مقابل آموزش ضعیف، آسیب‌هایی را متوجه دانش‌آموزان کرده‌است، بنابراین دو موضوع باید مورد توجه قرار بگیرد؛ اول، بحث محتوای کتب دوم، شیوه‌های آموزشی و سوم هم شیوه‌های ارزشیابی یا همان نوع امتحانات است که اینها باید مکمل یکدیگر باشند و در یک مسیر حرکت کنند.»

داوری تصریح می‌کند: «محتوای آموزشی یعنی همان کتب درسی که در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌گیرد، اصلاً جذابیت ندارد و آنها برای اینکه کتاب‌هایشان را با علاقه و جدیت بخوانند و یاد بگیرند، انگیزه کافی ندارند. همچنین روش‌های تدریس و نحوه آموزش اغلب سنتی و خسته‌کننده است و از تکنولوژی‌ها و فناوری‌های جدید بهره گرفته نمی‌شود. طوری که به ندرت خلاقیت‌های روش تدریس دیده می‌شود. در نهایت وقتی امتحانات نهایی برگزار می‌شود، دانش‌آموزان از عهده پاسخگویی به تمام سؤالات برنمی‌آیند و نمراتشان افت می‌کند.»

این کارشناس آموزشی می‌گوید: «وقتی که گفته می‌شود مدارس دولتی سهم زیادی از رتبه‌های برتر کنکور ندارند یا نمرات دانش‌آموزان در امتحانات نهایی افت کرده‌است؛ اینها سنسورهایی هستند که به ما نشان می‌دهد اوضاع آموزش در مدارس بحرانی است و نظام آموزشی کشور در ابعاد مختلف، مشکل دارد.»

> اساساً جریان کنکور سراسری و جریانی که ما ناظر به سپردن وضعیت داوطلبان به یک یا چندین آزمون داریم، آن را پیوند می‌زنیم به نظر می‌رسد که با جریان ارزیابی تمام ساحتی و استعدادسنجی دانش‌آموزان در تضاد قرار گرفته‌باشد. در صورتی که اگر به این سمت برویم که استعداد افراد را بسنجیم و آنها را بشناسیم، آن وقت می‌توانیم آنها را در حوزه استعدادی که دارند، ارتقا بدهیم و به مرور جریان عدالت اجتماعی را نیز رقم بزنیم

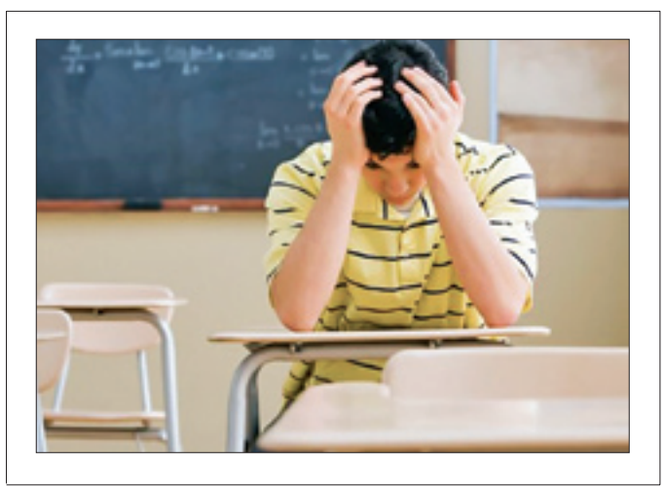

او با بیان اینکه دانش‌آموزان، قربانیان اصلی نظام ناکارآمدی آموزش هستند، می‌گوید: «متأسفانه صدای دانش‌آموزان در هیچ کجا شنیده نمی‌شود، در صورتی که ما باید واقعیت‌های مسائل آموزشی را از زبان آنها و والدینشان بشنویم. بی‌تردید اگر نظر دانش‌آموزان را درباره آموزش در مدارس بپرسید، می‌گویند کتب درسی و شیوه‌های آموزشی برایشان هیچ جذابیتی ندارد و بدتر اینکه آنها در این فرآیند موجود، آینده شغلی روشنی برای خود نمی‌بینند. بنابراین نیاز است تحولاتی در این زمینه انجام شود و به مطالبات و نیازهای دانش‌آموزان، پاسخ داده شود.»

رهایی دانش‌آموزان از حفظیات با مفهومی‌شدن سؤالات

کارشناسان آموزش معتقدند که دانش‌آموزان در مدارس درگیر حفظیات شده‌اند، به همین دلیل فرصت یادگیری دقیق ندارند؛ موضوعی که امیرحسین سلطانی‌فلاح، قائم‌مقام جمعیت فرهنگیان جوان نیز به آن اشاره می‌کند و به «جوان» می‌گوید: «سؤالات در امتحانات نهایی از سؤالات حافظه‌محور به سؤالات مفهومی تغییر کرده‌است. به نظر من این الگوی مطلوبی است که از حفظیات فاصله گرفته شود و ملاک سنجش دانش‌آموز، میزان درک و بینشی باشد که او نسبت به محتوا پیدا کرده‌است. منتها به تبع آن، باید تصمیماتی در حوزه محتوا و آموزش نیز گرفته شود که همسو با یکدیگر شوند. باید این موضوع بررسی شود که محتوای درسی اساساً تا چه میزانی توانسته این فرآیند را دنبال کند و اینکه آیا رویکرد آموزش، مسئله مفهومی‌بودن را در پیش گرفته‌است یا نه؟»

او ادامه می‌دهد: «تغییر رویکرد سنجش در برگزاری امتحانات نهایی در سال اول را نمی‌توان به اندازه یک پدیده‌ای که دو دهه قدمت داشته‌است، تحلیل کرد. حقیقت مسئله این است که کنکور به عنوان سنجش بزرگ مقیاس در نظام آموزشی کشور و همچنین دروازه ورود به آموزش عالی بوده‌است که خواسته یا ناخواسته به نظام آموزشی جهت می‌داده‌است. هر چند که تلاش می‌شد بچه‌ها از دوره اول ابتدایی با آموزش‌های مهارتی پیش بروند و به سمت آموزش‌های مفهومی حرکت شود، اما این بچه‌ها هر چه به مقاطع تحصیلی بالاتر می‌روند و به کنکور نزدیک‌تر می‌شوند، مسئله کنکور روی برنامه درسی‌شان تأثیر سوء می‌گذارد تا جایی که در دوره دبیرستان، دروس فارسی و دین و زندگی، هویت فرهنگی خودشان را از دست می‌دهد و تنها در حد یک ابزار سنجشی مورد استفاده قرار می‌گیرد.»

سلطانی‌فلاح اظهار می‌دارد: «تصمیم تأثیر امتحانات نهایی در ورود دانش‌آموزان به دانشگاه از این جهت خوب بوده که لرزه‌هایی را به پایه‌های کنکور انداخته است. البته باید در ادامه مسیر، کار کارشناسی انجام شود و چالش‌ها و مشکلاتی که در این رابطه برای دانش‌آموزان ایجاد شده‌است نیز بررسی و برطرف شود.»

نباید آموزش و پرورش از مأموریت و رسالت اصلی خود دور شود

«مفهومی‌بودن سؤالات امتحانات نهایی قابل‌دفاع است، چراکه به دلیل تأثیر نتایج این امتحانات در کنکور باید دانش‌آموزان با سطوح مختلف یادگیری تشخیص داده‌شوند.» این را حمید رفیعی، پژوهشگر آموزش و پرورش به «جوان» می‌گوید، اما معتقد است نباید در این مسیر آموزش و پرورش از مأموریت و رسالت اصلی خود که تعلیم و تربیت دانش‌آموزان است، دور شود. او در این رابطه توضیح می‌دهد: «اگر پیش‌تر در امتحانات نهایی فقط و فقط به احراز سطح دانش و سواد داوطلبان پرداخته می‌شد و هدف از امتحانات نهایی این بود که مثلاً دانش‌آموز درس را چقدر یاد گرفته‌است، الان در آزمون‌های نهایی اخیر باید به این مسئله پرداخته شود که چه کسی بیشتر توانسته سطوح بالاتری از دانش را کسب کند، از این‌رو شاهد سؤالات سخت‌تری بودیم که باید این سطوح مختلف مشخص شود. علاوه بر آن با توجه به افزایش امنیت امتحانات در سال جاری تعداد افرادی که کل نمره امتحانات نهایی را کسب کردند، کاهش پیدا کرد. البته قابل ذکر است سال‌های قبل هم تعداد افرادی که معدل کامل را می‌آوردند، حدود ۲۰ نفر بوده‌اند.»

پژوهشگر آموزش و پرورش تصریح می‌کند: «نباید آموزش و پرورش از مأموریت و رسالت اصلی خود دور شود. فرض کنید آموزش و پرورش فقط برای پایه دوازدهم حدوداً ۱۰امتحان، در سه ماه شهریور، دی و خرداد برگزار کرده‌باشد که جمعاً ۳۰ آزمون می‌شود و اگر این آزمون‌ها در سه رشته برگزار شود، یعنی حدود ۹۰ آزمون بوده است. برگزاری این تعداد آزمون با وجود چندین میلیون داوطلب، کار بسیار دشواری است که آموزش و پرورش را درگیر خود کرده‌است. حالا تصور کنید از سال آینده طبق قانون، امتحانات مقاطع تحصیلی اول و دوم متوسطه هم به صورت نهایی برگزار شود. در این صورت به نظر می‌رسد آموزش و پرورش از مأموریت اساسی خودش که تربیت و تحقق اهداف تربیتی در داوطلبان آموزش عمومی است، باز خواهد ماند و به یک جریانی برای آماده‌شدن افراد برای ورود به دانشگاه و سنجش آنها وارد شده‌است.»

رفیعی اظهار می‌دارد: «امتحان در سال‌های گذشته یک محلی بود که در آن مشخص می‌شد دانش‌آموز چقدر مطلب را آموخته است تا اگر ضعفی وجود داشت برای پوشش آن فکری شود؛ یعنی جنبه تربیتی آزمون، موضوعیت داشت، اما وقتی این آزمون به سمتی می‌رود که به عمل «انتخاب‌گری» دانش‌آموز در دانشگاه تبدیل می‌شود، آسیب‌های بسیار زیادی را به دنبال دارد.»

او به ضرورت استعدادیابی دانش‌آموزان اشاره می‌کند و می‌گوید: «اساساً جریان کنکور سراسری و جریانی که ما ناظر به سپردن وضعیت داوطلبان به یک یا چندین آزمون داریم، آن را پیوند می‌زنیم به نظر می‌رسد که با جریان ارزیابی تمام ساحتی و استعدادسنجی دانش‌آموزان در تضاد قرار گرفته‌باشد. در صورتی که اگر به این سمت برویم که استعداد افراد را بسنجیم و آنها را بشناسیم، آن وقت می‌توانیم آنها را در حوزه استعدادی که دارند، ارتقا بدهیم و به مرور جریان عدالت اجتماعی را نیز رقم بزنیم.»

رفیعی اظهار می‌دارد: «تا زمانی که آموزش و پرورش را به این سمت گره بزنیم که برگزارکننده امتحانات نهایی و پلی برای رسیدن دانشگاه باشد، نمی‌توانیم انتظار داشته‌باشیم که مهارت‌های اجتماعی، زندگی و کارهای جمعی، تأمین معاش را به افراد آموزش بدهد و نقش اصلی خودش را ایفا کند.»

او تأکید می‌کند: «معتقدم که تغییر روند آزمون و برگزاری چندین بار امتحانات نهایی، بدون تغییر پیش‌نیازهای آن، نه‌تنها به حذف کنکور و برقراری عدالت کمکی نمی‌کند، بلکه چالشی را که پیش از آن وجود داشت نیز توزیع خواهد کرد. مثلاً استرس، دشواری کار و هزینه‌ها چندین برابر می‌شود. در صورتی که اگر بتوانیم با تغییر نگاه خودمان و نقطه‌نظراتی که در این حوزه وجود دارد به سمتی حرکت کنیم که اساساً جریان مهارت‌آموزی دارای ارزش شود، هم نظام درآمد عادلانه خواهد شد و هم اینکه افراد جریان ادامه زندگی خودشان را محصور در دانشگاه و کسب عنوان‌های خاصی مثل پزشکی، قضاوت و امثال آن نمی‌بینند.»

مسئولیت اجتماعی

حسین سروقامت

۹۰۸

دو تیم پرافتخار جام‌حذفی به مصاف هم رفته‌بودند و ما از شانس بدمان همان ساعت کلاس داشتیم.

استادمان که یک طرفدار دوآتشه بود، پس از کلی کری خواندن ماژیک قرمزی برداشت و شروع به نوشتن روی تابلو کرد.

دانشجویی گفت استاد! خط شما دیده نمی‌شود. ماژیکتان را عوض کنید؛ قبول نکرد. رفت پرده را بکشد که خط استاد دیده‌شود؛ او لج کرد و گفت از کلاس برو بیرون!

دانشجو تمکین نکرد و گفت دانشگاه چنین مقرراتی ندارد؛ من نمی‌خواهم کلاس شما را از دست بدهم.

استاد دانشجویان را علیه او برانگیخت. داد کشید و گفت او دارد وقت کلاس شما را می‌گیرد. دانشجو مقاومت نکرد. کوله‌اش را برداشت و با آرامش کلاس را ترک کرد.

بعدها از نتیجه کارش پرسیدم. گفت نتیجه چندان مهم نیست؛ مهم فرهنگ گفت‌وگوست که من آن را در دل خانواده آموخته‌ام.

دوستان! گفت‌وگو، مصداق مسئولیت اجتماعی نیست؟

نگاه

زهرا چیذری

سرزمین حسین(ع)

کربلا و عاشورا نماد تمام‌عیاری از جداسازی صفوف حق از باطل و بصیرت و آگاهی برای تشخیص این دو جبهه از یکدیگر است. در واقعه عاشورا کم نبودند افرادی که با سپاه کفر آمدند، اما در نهایت به سپاه امام پیوستند و عاقبت به خیر شدند؛ افرادی مانند حر بن یزید ریاحی، جوین بن مالک تیمی، یزید بن زیاد بن مهاصر کندی، عمرو بن ضبیعه و شماری دیگر از افراد که نامشان در منابع تاریخی گوناگون ذکر شده‌است. همچنانکه از میان افرادی که با امام‌حسین (ع) به کربلا آمدند بسیاری از سپاه امام جدا شدند.

اوج این جدایی در شب عاشورا و هنگامی بود که امام چراغ‌ها را خاموش کردند و بیعت خود را از یارانشان برداشتند تا فقط آنهایی بمانند که مشتاق اوج عشقبازی با معشوق و در خون خویش غلتیدن بودند.

اینگونه بود که از همان سنگ بنای نخست قیام امام‌حسین (ع) و بنیانگذاری نهضت عاشورا، حسین(ع) و راهش، معیار و مقیاس برای تشخیص حق و باطل شد و همین مسئله هم راز پویایی این قیام و اثرگذاری خون امام‌حسین تا همیشه تاریخ است.

بعد از واقعه عاشورا هم در ادوار گوناگون و در دوران حکومت‌های مختلف مکتب انسان‌ساز حسینی و تربیت انسان‌های آزاده و آزاداندیش در این مکتب، حاکمیت‌ها و اشخاص مختلف را به جنگیدن و مبارزه با این مکتب و طرز تفکر وا داشت، چراکه تربیت‌یافتگان مکتب حسین زیر بار ظلم و جور نمی‌روند و آزاده و آزاد اندیشند. بر همین اساس در ادوار گوناگون تاریخی، بارها بارگاه ملکوتی امام‌حسین (ع) تخریب و به آب بسته شد و حتی با زیر کشت‌بردن این مکان و راه‌انداختن کشاورزی در محل حرم تلاش کردند قیام عاشورا و نهضت حسینی را مدفون کنند، اما این نقشه‌ها همیشه ناکام ماند و بارگاه و صحن و سرای حسینی هر بار باشکوه‌تر از قبل بنا شده و این حرم قبله‌گاه عاشقان و آزادگان عالم ماند و تا به امروز باشکوه‌تر از همیشه پابرجا بوده و مأمن و ملجأ همه انسان‌های آزاده و آزاداندیش دنیا از هر دین، نژاد و قومیتی است. همچنانکه بارها حضور اقلیت‌های دینی و افراد مختلف از نقاط مختلف دنیا را در کربلا و مراسم‌هایی همچون راهپیمایی دهه‌ها میلیونی اربعین شاهد بوده‌ایم.

به روایت تاریخ حتی در دوران‌هایی، حاکمان جور شرط زیارت کربلا را قطع دست و انگشت زائران قرار داده بودند و با وجود چنین شرطی باز هم بودند عاشقانی که برای رسیدن به معشوق از دست و انگشتان خود می‌گذشتند که عاشقان حسین و شیفتگان مکتب حریت حسین دست و انگشت هیچ، جان در طبق اخلاص می‌گذارند و تقدیم می‌کنند.

این قصه اما تا به امروز هم ادامه دارد. بعد از سپری شدن ۱۳۸۴ سال از واقعه عاشورا، همچنان امام‌حسین(ع) معیاری برای تشخیص صفوف حق و باطل و آشکار ساختن ماهیت حقیقی جریان‌های فریبکار و خدعه‌ساز است. همچنانکه امسال نیز جریان‌هایی که بارها و بارها دشمنی آنها با مردم ایران اثبات‌شده و هر بار به گونه‌ای به دنبال تخریب اعتماد و آزادی مردم هستند، این‌بار نه فقط در مقابل باورهای چند صد ساله مردم ایران، بلکه در برابر مکتبی به بلندای تاریخ ۱۴۰۰ ساله اسلام و شیعه و مکتبی به وسعت تمامی آزادگان جهان فارغ از دین، ملیت و رنگ و نژاد صف‌آرایی کردند. این جریان‌های شناخته‌شده این بار تلاش کردند با ایجاد جریان‌های رسانه‌ای و موج‌سازی در شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی و با هشتک‌زنی و راه‌انداختن کمپین‌های «تحریم محرم»، «سیاه نپوشید»، «نذری ندهید»، «نذری نخورید»، «به حسینیه نروید»، «در هیئت‌ها دیده نشوید» و کمپین‌های مشابه دیگر به جنگ با باورهای هزار ساله مردم مسلمان ایران بروند. غافل از اینکه مکتب حسین(ع) و نهضت قیام عاشورا با گوشت و خون و استخوان مردم کشورمان عجین‌شده و کشتی هدایت امام خوبی‌ها برای همه آدمها جا دارد؛ چه آن دختر جوان کم‌حجابی که در تندباد هجمه‌های رسانه‌های غربی و کم‌کاری‌های داخلی آسیب‌دیده و یکی از نمودهای این آسیب‌دیدگی در همین کم‌حجابی یا بی‌حجابی تجلی پیدا می‌کند و چه پسر جوانی که برخی غفلت‌ها موجب‌شده تا از قافله درک قیام و نهضت عاشورا جا بماند.

مکتب حسینی انسان‌ساز است و می‌تواند از حر سپاه یزید، آزاد مردی بسازد که در طول تاریخ آزادگی‌اش زبانزد خاص و عام می‌شود و این انسان‌سازی تا قیام قیامت ادامه خواهد یافت.

خلاصه اینکه امسال با تمام تلاش‌های صورت گرفته برای کم‌فروغ کردن بزرگداشت قیام عاشورا و اقامه عزای حسینی، با قدم گذاشتن در هر کوی و برزنی می‌توان پرچم عزای امام‌حسین را مشاهده کرد. انگار تمام کوچه‌ها و خیابان‌ها و آدم‌ها هم‌رنگ و هم‌نوا شده‌اند؛ همه سیاه‌پوش عزای حسین‌اند و هم با هم همنوا فریاد می‌کنند «لبیک یا حسین» تا یک‌بار دیگر اثبات کنند «این چراغی است که خاموش نگردد هرگز.»